

استکبار ستیزی

انگیزه سازی

صفوان بن مروان مردی بود که - به اصطلاح امروز- یک بنگاه کرایه وسایل حمل و نقل داشت که آن زمان بیشتر شتر بود، و به قدری متشخص و وسائیش زیاد بود که گاهی دستگاه خلافت، او را برای حمل و نقل بارها می خواست. روزی هارون برای یک سفری که می خواست به مکه برود، لوازم حمل و نقل او را خواست. قرار دادی با او بست برای کرایه لوازم. ولی صفوان، شیعه و از اصحاب امام کاظم(علیه السلام) است. روزی آمد خدمت امام و اظهار داشت - یا قبلا به امام عرض کرده بودند - که من چنین کاری کرده ام. حضرت فرمود: چرا شترهایت را به این مرد ظالم ستمگر کرایه دادی؟ گفت: من که به او کرایه دادم، برای سفر معصیت نبود. چون سفر، سفر حج و سفر طاعت بود کرایه دادم و الا کرایه نمی دادم. امام فرمود: پولهایت را گرفته ای یا نه؟ یا لاقط پس کرایه هایت مانده یا نه؟ بله، مانده. امام فرمود: به دل خودت یک مراجعه ای بکن، الآن که شترهایت را به او کرایه داده ای، آیا ته دلت علاقه مند است که لا اقل هارون این قدر در دنیا زنده بماند که برگردد و پس کرایه تو را بدهد؟ گفت: بله. امام فرمود: تو همین مقدار راضی به بقای ظالم هستی و همین گناه است[۱].

از این داستانی که از سیره‌ی امام کاظم(علیه السلام) نقل شده است این نکته بدست می آید که یکی از ویژگی‌های مسلمانان، ظلم ستیزی و مبارزه با استکبار است. بهمین دلیل شاید بتوان یکی از مهمترین شاخصه اصلی انقلاب اسلامی ایران را ماهیت ضد استکباری آن دانست. دلیل بر این مدعائین است که نقطه شروع انقلاب اسلامی از قضیه تصویب کاپیتولاسیون بود. تصویب این معاهده که با اعطای معافیت ها و مصونیت های سیاسی به اعضای مستشار آمریکایی در ایران همراه بود، با مخالفت شدید امام خمینی(ره) مواجه شد. با تصویب لایحه کاپیتولاسیون حدود ۴۰ هزار نفر از آمریکاییهای مقیم ایران از شمول قوانین ایران معافیت کامل می یافتند^{۱۲} که این امر به وضوح نقض استقلال قضایی و حاکمیت سیاسی ایران به شمار می آمد و مایه تحقیر ملت ایران بود. امام امت(ره) با طرح این مسأله که ایران را تحت اسارت آمریکا قرار می داد ، به انتقاد از رژیم شاه پرداخت و از ارتش و مردم خواستند که این ننگ و تحقیر را قبول نکرده و علیه آن قیام کنند

افناع اندیشه

از دیدگاه دینی، یکی از وظایف اساسی انسان در برابر دیگران تولی و تبری است. آموزه های دینی موضع گیری مثبت و منفی مسلمان را در مقابل هر ظالم و مظلومی می طلبد. امیرمؤمنان(ع) نیز در وصیت نامه خود در واپسین روز حیات خطاب به فرزندان شان بر دو اصل دشمنی با ظالمان (تبری) و دوستی و یوری مظلومان (تولی) تأکید کردند. و شاید یکی از شاخصه های مهم قیام اباعبدالله علیه السلام را استکبار ستیزی و مبارزه با ظالم بیان داشت. اساس جریان عاشورا، استکبارستیزی است البته امام حسین علیه السلام در انگیزه‌ی خودشان در قیام عاشورا فرمودند: «وَأَيُّ لَمْ أُخْرَجْ أَشِيرًا وَلَا بَطَرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي صَ أَرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع[۳]» من می خواهم امت جدم را اصلاح کنم. هدف امام از اصلاح چه بوده است؟ آیا ایشان می خواستند نمازشان را اصلاح کنند؟ آنها نماز می خواندند. نماز اول وقتشان را؟ لشگر حر نماز اول وقتش را با امام حسین(ع) به جماعت هم خواند. آیا حضرت می خواستند آنها را متخلق به اخلاق دینی بکند؟ متخلق به اخلاق دینی بودند، خیلی از آنها یی که کربلا آمده بودند حافظان قرآن بودند. حضرت قصد داشتند چه چیزی را اصلاح بکنند؟ خود حضرت فرمود: «أَرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ» من می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم، و اصلی ترین معروف، استکبارستیزی است، یعنی دعوت به قیام علیه حاکم طاغوت، این یعنی همان استکبارستیزی. نهی از منکر می کنم یعنی نهی از اصلی ترین منکر می کنم.

اینکه رهبر معظم انقلاب فرمودند: «اگر مبارزه ی با استکبار نباشد ما اصلا تابع قرآن نیستیم.»[۴] مشخص می شود که استکبار ستیزی صرفا یک مسئله سیاسی نیست و ریشه قرآنی دارد و این مسئله یک آموزه دینی است. به عنوان مثال در مورد خطر بزرگ دشمن ایمان، یعنی شیطان می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ [نور ۲۱] ای کسانی که ایمان آورده اید از گام های شیطان پیروی نکنید.»

و در آیه دیگر می‌فرماید: «وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ [اعراف ۲۰۰] و اگر از شیطان وسوسه‌ای به تو رسد به خدا پناه بر.»

و در مقابله با دشمنان بیرونی هم یکی از توصیه قرآن این است: «وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً [توبه ۱۲۳] آنان (کفار) باید در شما خشونت بیابند.»

و در آیه دیگر نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ [نساء ۷۱] ای کسانی که ایمان آورده‌اید آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید.

مقام معظم رهبری یکی از مهمترین عوامل مبارزه با استکبار را شناخت دشمن می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «ولیکن می‌خواهم به شما و به هر کسی که این حرف را خواهد شنفت بگویم: دشمن را بشناسید، دشمن را بشناسید. یکی از خطراتی که هر ملتی را تهدید می‌کند این است که دشمن خودش را نشناسد، دشمن خودش را دشمن نداند؛ یا دوست بداند یا بی‌طرف بداند؛ این خطر خیلی بزرگی است. این خواب‌رفتگی است. هم دشمن را بشناسید، هم روشهای دشمنی‌اش را بشناسید؛ ببینید چه جوری دشمنی می‌کند. دچار غفلت نشویم؛ اگر غفلت کردیم، غارت خواهیم شد؛ اگر غفلت کردیم، شبیخون به ما زده خواهد شد؛ غفلت نکنیم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود - در نهج البلاغه است - وَ اللَّهِ لَا أَكُونُ كَالضَّبْعِ تَنَامَ عَلَى طَوْلِ اللَّدْمِ [۹] من مثل آن حیوانی نخواهم بود که معمولاً برای اینکه به خواب برود، یک آهنگی می‌خواند و او به خواب میرود؛ من خواب نخواهم رفت، بیدارم و میفهمم دُوروبرم چه میگذرد. از ما هم همین را خواسته‌اند. نباید به خواب برویم، نباید غفلت کنیم.» [۵]

لذا عدم شناخت دشمن بلایی بر سر جامعه‌ی اسلامی می‌آورد که جای دوست و دشمن و جانی و مظلوم عوض شده و همان بلایی که در جنگ صفین بر سر اسلام آمده و حکمیت را به امام علی علیه اسلام غالب می‌کند و در عین حال امیرالمؤمنین با اینکه در آن میدان پیروز بودند بخاطر نشناختن دشمن نه تنها جنگ به نفع مسلمین به پایان نرسید بلکه خدعه‌ی بر نیزه کردن قرآن گرفته و معاویه حاکم مسلمین می‌شود. لذا ابتدا باید دشمن را بشناسیم و در مرحله‌ی بعد در مبارزه با آن راسخ و پایدار باشیم.

ویژگی‌های استکبار ستیزی

و برای استکبارستیزی و جهاد سه ویژگی نیاز است که جامعه اسلامی به آن نیازمند است.

امام باقر علیه السلام ویژگی‌های استکبار ستیزی را اینطور بیان می‌فرماید:

«كَتَبَ أَبُو جَعْفَرٍ ع فِي رِسَالَةٍ إِلَى بَعْضِ خُلَفَاءِ بَنِي أُمَيَّةٍ وَ مِنْ ذَلِكَ مَا ضَيَّعَ الْجِهَادَ الَّذِي فَضَّلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْأَعْمَالِ وَ فَضَّلَ عَامِلَهُ عَلَى الْعَمَالِ تَفْضِيلًا فِي الدَّرَجَاتِ وَ الْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ لِأَنَّهُ ظَهَرَ بِهَ الدِّينَ وَ بِهِ يُدْفَعُ عَنِ الدِّينِ وَ بِهِ اشْتَرَى اللَّهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِالْجَنَّةِ بِنِعَاءٍ مُفْلِحًا مُنْجِحًا...» [۶]

امام باقر «ع»: در نامه‌ای به یکی از خلفای بنی امیه: و از جمله چیزهایی که خلیفه ضایع گذارده جهاد است، که خدای متعال آن را بر اعمال فضیلت داده است ... و اول آن خواندن مردمان است از طاعت بندگان به طاعت خدا، و از پرستش بتان به پرستش خدا، و از دوستی بندگان به دوستی خدا ... نه خواندن از طاعت بنده‌ای به طاعت بنده‌ای دیگر همانند خود او. الف- «لأنَّ ظَهَرَ بِهَ الدِّينَ» یعنی بوسیله استکبارستیزی و جهاد می‌شود دین را ظهور داد و قدرت دین را افزایش داد و بستر هدایت را برای بشر آماده کرد.

ب- «وَ بِهِ يُدْفَعُ عَنِ الدِّينِ» اگر جامعه‌ای استکبارستیز نباشد، مجاهد نباشد، دشمنی‌ها دفع نمی‌شود، دشمن قسم خورده که همواره با شما سر جنگ داشته باشند «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ» بقره آیه ۲۱۶ «آنها از جنگیدن با شما هیچوقت خسته نمی‌شوند

ج- «وَ بِهِ اشْتَرَى اللَّهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِالْجَنَّةِ» اگر جامعه‌ای استکبارستیز و به تعبیر امروزی انقلابی نباشد بندگان واقعی و مخلص خدا با چه وسیله‌ای با خدا معامله کنند؟ یعنی هم در معنویت در قله، استکبارستیزی یک نیاز فوری است و هم در گسترش دین و تعمیق دین و باور دینی، استکبارستیزی یک لازمه است.

لذا در طول هشت سال دفاع مقدس این روحیه‌ی استکبار ستیزی با الگو گیری از واقعه‌ی کربلا بوده است که عامل پیروزی اسلام و زرمندگان شده است. جالب است بدانید در بررسی ۵۰ هزار وصیت نامه از شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، در هیچ یک از وصیت نامه‌ها اسم ایران منهای اسلام نیامده است و در هر وصیت متوسط ۴ بار نام حسین علیه السلام، کربلا، عاشورا، حضرت زینب و حضرت ابوالفضل علیهما السلام آمده است. [۷]

«پرورش احساس»

دانش آموز شهید "سید عبدالنبی مواسات" در وصیت نامه اش می‌نویسد:

«رفته‌ام به ندای هل من ناصر ینصرنی حسین زمان لیبیک بگویم» [۸] مسلمان انقلابی و استکبار ستیز یعنی کسی که مثل یاران اباعبدالله عمل کند و اسم عملیات‌ها اسم رمز‌ها در هشت سال دفاع مقدس حکایت از این است که جریان کربلا

انقلاب ساز و استکبار ستیز است و این جریان ایران و غیر ایرانی هم نمی شناسد. ما در طول هشت سال دفاع مقدس حدود ۴۶۰۰ شهید امت اسلام داریم شهدای غیر ایرانی که در نبرد حق علیه باطل شرکت کردند و به فیض شهادت نائل آمدند یکی از شهدای جوان بحرینی به نام شهید "محمد نورالشواف" است که در سال ۱۳۶۵ در منطقه حاج عمران به شهادت رسید هم‌رزم این شهید بزرگوار می گویند در منطقه حاج عمران سه شبانه روز، خوابیده بود و دائم می دوید به بچه ها کمک می کرد هر جا نیاز بود حاضر می شد. به او گفتیم آقا محمد بس است! مقداری استراحت کن. از نفس افتادی.

دیدم می خندد تعجب کردم علت خنده اش را پرسیدم گفت می دانی دارم به چه چیز فکر می کنم. گفتم نه! گفت دارم به این فکر می کنم که جنگ تمام شود باید پیام امام و انقلاب را به دنیا برسانم. [۹] اینجاست که باید بدانیم شعار و پیام امام «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی» بوده است و مبارزه با ظلم و امپریالیسم زمانه بوده است. رهبرکبیر انقلاب اسلامی با فریاد برآوردن آنکه «همه بدبختی ما از آمریکاست» از خوی تجاوزطلبی و ضرورت مبارزه و عدم رابطه با استکبار چنین سخن گفت: «خیال نکنید که روابط ما با آمریکا و روابط ما با نمی دانم شوروی و روابط ما با اینها یک چیزی است که برای ما یک صلاحی دارد. این مثل رابطه بره با گرگ است! رابطه بره با گرگ، رابطه صلاحمندی برای بره نیست، اینها می خواهند از ما بدوشند، اینها نمی خواهند به ما چیزی بدهند.» [۱۰] لذا الگویی که خود امام برای ما بیان می دارند این است که این انقلاب را محرم و صفر است که نگه داشته است یعنی مبانی انقلاب اسلامی همان مبانی امام حسین علیه السلام در روز عاشورا بوده که همان استکبار ستیزی و مبارزه با ظلم است که محافظت از این نهضت حافظ و محافظ انقلاب اسلامی ایران است. همچنین می توان از جمله برکات وجودی انقلاب کربلا را حزب الله لبنان دانست که شعارشان "هیئات من الذله" است شهید علی منیف اشمر از شهدای استشهادی لبنان است که معروف است به استشهادیون در وصیت نامه این شهید آمده است مولای من یا ابا عبدالله! با خداوند پیمان بستم و با شما عهد که در راه خداوند گام بردارم در حالی که جانم را به کف دست گرفته به خونم را به خاک جبل عامل آمیخته‌ام. همانطور که خون شما بر خاک مقدس کربلا ریخته شد و امروز به عهده که بسته بودم وفا می کنم. لذا یک مسلمان انقلابی به فکر مبارزه و استکبار ستیزی است و این استکبار ستیزی قلمروی به اندازه کل دنیا دارد.

«رفتار سازی»

امروزه در کشورهای زیادی نقش تفکر و مبنایی انقلاب اسلامی ایران در حال گسترش است که یکی از اصولی ترین این تفکر استکبار ستیزی است.

ما امروز تکلیف داریم برای بیداری نسل جوانان؛ نسل‌های بعد خودمان در مورد دشمن شناسی و مبارزه با استکبار روشنگری کنیم و می توانیم برای آنها الگویی به نام امام حسین (علیه السلام) و واقعه کربلا را ترسیم کنیم که امام حسین (علیه السلام) به ما آموخت که کسی مثل حسین با کسی مثل یزید بیعت نمی کند! حتی اگر عاشورا بپا کند ولو زن و بچه اش را به اسارت ببرند چون خود حضرت فرمود: «يَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُعَلِّنٌ بِالْفُسْقِ وَ مَثَلِي لَا يُبَايِعُ بِمَثَلِهِ؛ یزید مردی فاسق شرابخوار، آدمکش و جنایتکار آشکار و گستاخ است و مثلی لا یبایع بمثله، شخصی مثل من با فردی مثل او بیعت نمی کند.» [۱۱]

یک شیعه انقلابی اهل سازش نیست باید در مقابل دشمن، انقلابی ایستاد. اگر بخواهیم حسینی زندگی کنیم نمی توانیم باید با یزید های زمان بسازیم.

«ذکر مصیبت»

پرکن دوباره کیل مرا ایها العزیز
دست منو نگاه شما ایها العزیز
رو از من شکسته مگردان که سالهاست
رو کرده‌ام به سمت شما ایها العزیز

*من گدای دیروز و امروزی نیستم "و سَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي" سال ها قبل از ولادتم، مادر پدرم، منو به تو سپرده

بودن
آقا

وادی به وادی آمده‌ام از درت مران
وا کن دری به سوی گدا ایها العزیز
چیزی که از بزرگی تو کم نمی شود
این کاسه را ... فاوف لنا... ایها العزیز

خالی‌تر از دودست من این چشم خالی است
محتاج یک نگاه تو یا ایها العزیز ...

*هرکی محتاج نگاهشه بگه :
یا صاحب الزمان یا صاحب الزمان

السلام علی ساکن کربلا
السلام علی یعسوب الدین
السلام علی حجت رب العالمین
السلام علی الشیفاة الذابلات
السلام علی الجیوب المضرجات
السلام علی الرؤوس المثلالات
"اما اونی که از همه پیشتر دل امام زمان رو خون کرده اینه "
السلام علی السوۃ البارزات
حسین

بابی المستضعف الغریب یا عزیز الزهرا یا اباعبدالله

-
- ۱ [مجموعه آثار شهید مطهری، (سیری در سیره‌ی ائمه اطهار)، ج ۱۸، ص ۱۰۸]
- ۲ [مدنی، جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۸۱.]
- ۳ [بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۴، ص: ۳۲۹]
- ۴ [بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از دانشجویان ۲۰/۴/۱۳۹۴]
- ۵ [بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان علمی، ۱۳۹۳/۷/۲۶]
- ۶ [کافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۳]
- ۷ [با راویان نور، دفتر سوم، موسسه روایت سیره شهدا، ص ۲۱۵.]
- ۸ [همان، ۲۳۵]
- ۹ [با راویان نور، دفتر سوم، موسسه روایت سیره شهدا]
- ۱۰ [صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۶۰، ۱۳۵۸/۸/۴.]
- ۱۱ [لهوف، ۲۳]